

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)، ما و سازمانیابی شورایی طبقه کارگر

جعفر عظیم زاده

پنجشنبه یازدهم مهر ۱۳۸۷

کمیته هماهنگی (منطقه تهران) طی بیانیه ای زیر لوای دو تعبیر "رفرمیستی و ضد سرمایه داری از مجمع عمومی"، تلقی ما (اتحادیه آزاد کارگران ایران) و کارگران تشکیل دهنده مجمع از گردهمایی نماینده های کارگران را "مبتنی بر تعبیری که مجمع عمومی را نوعی تشکل سندیکالیستی متصل به جریانات غیرکارگری میدانند" ارزیابی کرد. و در ادامه در پاسخ ما به بیانیه (هو و جنجال و تهمت زنی چرا؟) توهین نامه ای چهار خطی را با عنوان "نکته پایانی" به جای عمل کردن به ادعایشان مبنی بر "نوشتن بیشتر حول دو تعبیر از مجمع عمومی"، انتشار داد.

ما در مقاله "کمیته هماهنگی منطقه تهران و مجمع عمومی نماینده های کارگری در ساندج" گفتیم:

کمیته هماهنگی (منطقه تهران) این بار از طریق توسل به سانسور و زیر لوای "دو تعبیر رفرمیستی و ضد سرمایه داری از مجمع عمومی"، مستقیم و بی واسطه تیغ بر آگاهی و شعور طبقاتی کارگران کشیده و تحت فشار جنبش کارگری سمت و سوی منافع زمینی موجود در پس ادعاهای لغو کار مزدی خود را، لخت و عور در برابر کارگران قرار داده است. انتشار توهین نامه چهار خطی به عنوان نقطه ی پایان بحثهای این کمیته حول نگرش ما به مجمع عمومی، صحت ادعای ما را بیش از پیش نشان داد. چرا که اینان، خود در این توهین نامه اقرار کرده اند بیانیه "هو و جنجال و تهمت زنی چرا" با کشف نویسنده "بیانیه کارگران" به هدف خود رسیده است.

به این ترتیب معلوم شد هدف این کمیته از آنهمه بحث پر طمطراق تحت عنوان "دو تعبیر از مجمع عمومی"، نازل تر از آنی بود که ما فکر می کردیم.

ما فکرمی کردیم "ولایت کارگر" ایدئولوژی اینان است. اما متأسفانه کارگرپناهی شان نیز رنگ و بویی از کارگر پناهی در خود ندارد، چرا که آگاه ترین رهبران کارگری در ساندج را سیاهی لشکر شارلاتانی فرقه ای ارزیابی کرده اند.

اما تا آنجا که به پاسخ ما به این فحش نامه مربوط میشود باید بگوئیم، ما گوش مان از همان اولین روز بردگی مزدی به این فحاشی ها عادت کرده است و راستش دیگر رگ گردن مان با شنیدن این فحاشی ها متورم نمی شود. به همین دلیل ما با حضوری هر چه فعالتر در عرصه های نظری و پراتیکی جنبش کارگری و با عزمی راسخ تر از همیشه به راه خود ادامه خواهیم داد.

از نظر ما همانطوری که قبلاً نیز اشاره کردیم، مشکل کمیته هماهنگی منطقه تهران در برخورد به مجمع عمومی نماینده های کارگران چهار کارخانه در ساندج، نه اشتباهی لپی و نه از سر محفل گرایی و نه از سردستگاه سانسور بودن اینان است. نظر به این مهم، ببینیم پشت این تقلاها و پشت دو تعبیر از مجمع عمومی که کمیته هماهنگی منطقه تهران آن را مطرح کرده است چه چیزی نهفته و به این معنا آیا مشکل این کمیته محفل گرایی، سانسور و تز دو تعبیر از مجمع عمومی است یا همه اینها ابزاری است برای لاپوشانی مقابله با سازمانیابی شورایی طبقه کارگر.

نگرش ما به سازمانیابی شورایی طبقه کارگر

ما به نوبه خود چه به عنوان کارگرانی منفرد و چه در اتحادیه آزاد کارگران ایران، بطور دائم کارگران را به برپایی مجمع عمومی در محل کارشان فراخوان داده و تلاش نموده ایم تا مجمع عمومی در مراکز کارگری نه فقط در بحبوحه اعتراضات کارگری، بلکه بطور دائمی و در ساعات کاربرگزار شود.

ما شورای کارگران یک کارخانه را همان مجمع عمومی دائما دایر کارگران آن کارخانه و مجمع عمومی دایر نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های آن منطقه را شورای کارگران آن منطقه میدانیم و الی آخر. براین مبنا ما با هدف سازمانیابی شورایی طبقه کارگر، برای برگزاری مجمع عمومی دائمی در ساعات و محل کار مبارزه می کنیم. از همین رو نیز مجامع عمومی ایی را که فقط در بحبوحه اعتراضات کارگری و بطور موقت برگزار میشود شورا تلقی نمی کنیم.

اما برای برگزاری اینگونه مجامع ارزشی بسیار حیاتی قائل هستیم و از هر درجه تلاش کارگران برای برگزاری آن به عنوان **جنبش مجمع عمومی** یاد می کنیم. یعنی تلاش برای برگزاری اینگونه مجامع در سطح فی الحال اش و مبارزه برای تعمیق و گسترش آن. این اساس هویت نظری و پراتیکی ما در شرایط امروز جنبش کارگری ایران است. این رویکرد برای ما از دو جنبه حائز اهمیت حیاتی است:

الف)- این جنبش با تعمیق و گسترش خود میتواند بیش از پیش به یک سنت آگاهانه و هدفمند در میان کارگران تبدیل بشود و بر این بستر از سطح فی الحال اش که بطور موقت و در بحبوحه اعتراضات کارگری برگزار میشود عبور نماید و نهایتا در پیشروی خود منجر به برپایی مجامع عمومی دائمی یعنی شوراها در مراکز کارگری بشود.

ب)- مجامع عمومی کارگری در سطح فی الحال اش در عین حال در شرایط حاضر و تا تبدیل آن به یک سنت آگاهانه ی فراگیر و توده ای در میان کارگران و برقراری مجامع عمومی کارگری دائمی(شوراها)، از نظر ما کارآمدترین ظرف مبارزه کارگران برای رسیدن به مطالبات شان است.

چرا که:

۱- در شرایط حاضر برگزاری مجمع عمومی در هر سطحی، امکان تصمیم گیری جمعی را برای کارگران در آن سطوح فراهم میکند. تصمیم گیری جمعی به کارگران در مقابل کارفرما قدرت و جسارت می بخشد و این قدرت و جسارت باعث میشود کارگران قادر شوند حرف دل شان را بزنند و به درجه بالایی از محافظه کاری برای طرح مطالبات شان پرهیز نمایند.

۲- با توجه به نبود تشکلهای کارگری دائمی به مثابه ظرف متحده کننده کارگران، مجمع عمومی در سطح فی الحال اش قابل دسترس ترین و ممکن ترین ظرف متحد شدن آنان، بویژه در بحبوحه رو در روی کارگران با کارفرمایان و دولت است.

۳- برگزاری این مجامع در هر سطحی در شرایط حاضر، نقطه ی آغاز و خشت اول بنای مجامع عمومی دائما دایر (شوراها) در ساعات و محل کار در مراکز کارگری است.

۴- مجمع عمومی به مثابه ظرف متحد کننده کارگران میتواند متضمن سمت و سو یافتن آنان برای طرح و مطالبه خواستههای حداکثری باشد. کارگران هر زمان یکجا جمع میشوند و احساس قدرت میکنند بالاترین سطح خواستهها را مطرح و به کم رضایت نمیدهند.

۵- مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم کارگر است، کارگر خود راسا در آن حضور دارد و تصمیم گیری نیابتی در کار نیست. به این ترتیب مجمع عمومی در شرایط حاضر و در هر شرایط دیگری هر گونه تصمیم گیری از بالای سر کارگران را به صفر می رساند.

۶- مبارزه متکی به تصمیم گیری در مجمع عمومی باعث میشود کارفرما و دولت اش قادر نشوند نماینده های کارگران را مرعوب و یا تطمیع نمایند. وقتی نماینده های کارگران نیابتی و تصمیم گیرنده از سوی آنان نباشند دست کارفرما برای مرعوب کردن و یا تطمیع آنها بسته میشود. بویژه در شرایط حاضر این امر میتواند بدرجه ای رهبران و نماینده های کارگری را از تعرض دستگاههای سرکوب مصون بدارد.

با توجه به نقشهای کلیدی فوق و دیگر نقشهایی که برگزاری مجمع عمومی میتواند برای کارگران به همراه داشته باشد، پر واضح است که باید به برپایی مجامع عمومی در هر سطحی و در هر جایی و به هر بهانه ای دامن زد و نه تنها دامن زد بلکه باید مبتکر برپایی آن بود.

اینکه با دور هم جمع شدن چند نفر میتوان عنوان مجمع عمومی را به آن اطلاق کرد از نظر ما در خوشبینانه ترین حالت یک سوال آئین نامه ای بوروکراتیک است و اما در اساس اش یک مانع تراشی در مقابل برپایی مجمع عمومی می باشد. چرا که همانطور که اشاره کردیم برگزاری مجمع عمومی کارگری در هر سطحی در شرایط امروز علاوه بر نقش کلیدی اش در مبارزات فی الحال جاری کارگران، خشت اول برپایی مجامع عمومی دائما دایرکارگران(شوراها) است. در دنیای واقعی اینگونه نیست که شوراها کارگری در یک روز معین و با فرمان کسی ایجاد بشود. کاملا بدیهی است کارگران برای برپایی شوراها خود، باید تمامی موانع پیشروی شان را در هم بشکنند و خشت بر روی خشت بگذارند تا قادر شوند مناسب ترین شکل سازمانیابی را چه به لحاظ ابعادش و چه به لحاظ ماهیتش پیدا کنند.

تزهایی از قبیل درست نیست، باید اجتماعی بزرگتر باشد که بتوان از عنوان مجمع عمومی برای آن استفاده کرد، باید ایدئولوژی ما تحت عنوان ضد سرمایه داری ناظر بر آن باشد، دو تعبیر وجود دارد و... مخالفتی شرمگینانه و در عین حال عمیق و کینه توزانه با مجمع عمومی و سازمانیابی شورایی طبقه کارگر را در بطن خود دارد. چرا که اساسا گرایش سندیکالیستی پایه تصمیم گیریهایش، تصمیم گیری دائمی و مستقیم کارگران در مجمع عمومی نیست بلکه کارگران همچون انتخابات پارلمانی هر چند وقت یکبار پای صندوق های رای رفته و یا در بهترین حالت با برگزاری فقط یک مجمع عمومی کاندیداهای مورد نظرشان را انتخاب میکنند و از این لحظه تمام تصمیم گیریها نیابتی و از سوی منتخبین انجام میشود.

بنا بر این قائل شدن به دو تعبیر فرمیستی و شورایی بر نفس برگزاری مجمع عمومی و تصمیم گیری مستقیم کارگران در آن، چیزی جز سفسطه گری برای مقابله با سازمانیابی شورایی طبقه کارگر را نمیتواند نمایندگی کند. دو تعبیر را فقط میتوان در مورد تصمیمات اتخاذ شده توسط کارگران در مجمع عمومی ناظر کرد و نشان داد این تصمیمات کدام منفعت را نمایندگی میکنند.

اما اگر کسی نقطه حرکت اش نفس برگزاری مجمع عمومی باشد و برای تعداد شرکت کننده ها و نفس تصمیم گیری مستقیم کارگران در سطوح مختلف دو تعبیر قائل شود و با این ابزار دست به شانتاژ حرکتی هر چند کوچک، اما آگاهانه و جهت دار از سوی کارگران بزند، دارد با اساس سازمانیابی شورایی طبقه کارگر و هویت آن یعنی مجمع

عمومی و تصمیم‌گیری مستقیم کارگران مقابله می‌کند و میکوشد با گرفتن ژست سازمانیابی شورایی طبقه کارگر، آنرا از هویت اش تهی سازد.

اینان به کارگران می‌گویند شکل حزبی طبقه کارگر سم است، برای کوبیدن حزبیت کارگران، سرکوب و پراکندگی آنان را حاصل دخالت احزاب چپ در مبارزه کارگران تفسیر میکنند تا حزبیت به مثابه بدیهی‌ترین ابزار کسب قدرت سیاسی در دنیای امروز، حیاط خلوت و ملک خصوصی سرمایه داران باقی بماند و تازه، پس از خلع کارگران از حزبیت، وقتی هم نوبت جوش و خروش آنان بر متن کشمکش دائمی شان با صاحبان سرمایه بر سر مرگ و زندگی فرا میرسد، به آنان می‌گویند شکل آگاهانه‌ای به نام مجمع عمومی را که پایه و اساس و هویت سازمانیابی شورایی طبقه کارگر است، برای تصمیم‌گیری هایتان قائل نشوید و به جای آن بگوئید اجتماعی دور هم داشتیم.

این رویکرد، زدن پنبه هویت تشکل شورایی کارگران است و ما با نقد نظری آن و پراتیک مان در دامن زدن به جنبش مجمع عمومی، بنوبه خود هویت سازمانیابی شورایی طبقه کارگر را عمق و دامنه هرچه بیشتری خواهیم بخشید.

جعفر عظیم زاده- دهم مهر ماه هشتاد و هفت